

## بررسی رابطه سواد مالی مدیران مدارس و ویژگی های جمعیت شناختی (مطالعه موردی: مدیران مدارس آموزش و پرورش شهرستان آبدانان)

عباس بابایی<sup>۱</sup>، فرشاد رضایی نژاد<sup>۲</sup>، عین الله ابوالفتحی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش مالی، دانشگاه آزاد اسلامی آبدانان، ایلام، ایران  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی آبدانان، ایلام، ایران  
<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی آبدانان، ایلام، ایران

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط سواد مالی و ویژگی های جمعیت شناختی می باشد. جامعه آماری کلیه ی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان آبدانان بوده که تعداد آنها ۱۱۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه، با توجه به مشخص بودن حجم جامعه و با استفاده از فرمول کوکران، ۲۸۵ نفر می باشد. روش نمونه گیری، تصادفی ساده می باشد. داده ها با استفاده از روش پیمایش و از طریق پرسشنامه چن و ولپ (۱۹۹۸) گردآوری شده است. جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شد. جهت سنجش پایایی آزمون، پس از انجام یک مطالعه مقدماتی و تعیین واریانس سوالات، ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که ضریب حاصله ۰/۸۹ بوده است. به منظور بررسی رابطه ی سواد مالی و ویژگی های جمعیت شناختی از آزمون من ویتنی و کروسکال والیس استفاده شده است. نتایج نشان داده است که وضعیت سواد مالی کارکنان در سطح مطلوبی نیست. همچنین سواد مالی با جنسیت، سن، سطح تحصیلات، محل سکونت (شهر یا روستا)، رشته تحصیلی، وضعیت تاهل، سطح درآمد و سنوات خدمت کارکنان ارتباط دارد.

**واژه های کلیدی:** سواد مالی، سنجش سواد مالی، ویژگی های جمعیت شناختی، کارکنان اداره آموزش و پرورش.

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

از اوایل تا اواسط قرن بیستم، ملاحظات مالی تا حدودی ساده بود. تجارت و معاملات در این دوره معمولاً پایین و آسان بوده است. با ظهور انقلاب صنعتی و افزایش حجم و تنوع محصولات تولیدی در جهان رفته رفته بر حجم تجارت در جهان افزوده شد. علاوه بر این با ابداع شبکه گسترده جهانی، خرید و فروش ساده تر و در دسترس تر شد و خرج کردن اوج گرفت. انقلاب صنعتی و گسترش شبکه جهانی عواملی بود که باعث پیچیدگی مدیریت مالی زندگی شخصی و سازمان ها شدند. این پیچیدگی موجب شد تا مدیران و مصرف کنندگان به سادگی نتوانند تصمیمات مالی مناسب را اتخاذ کنند. افرادی که دانش مالی پایه را نداشتند نمی توانستند تصمیمات مناسب در مورد خرید ماشین، خرید بیمه نامه، گرفتن رهن، انتخاب کارت اعتباری، پس انداز برای بازنشستگی یا ایجاد یک بودجه اتخاذ نمایند.

امروزه ابزارهای مالی، یکی از ارکان لاینفک زندگی بشر است. در جوامع توسعه یافته در مقایسه با جوامع دیگر، درصد بیشتری از مردم با واژه هایی نظیر پول، اوراق بهادار، صکوک و مواردی از این قبیل، آشنایی دارند. در کشورهای کم درآمد، توسعه یافتگی مالی خیلی محدود تر اتفاق می افتد و محصولات تخصصی و پیشرفته وجود ندارد و اگر هم وجود دارد درصد بسیار کمی از مردم توانایی و دانش کافی برای استفاده از آنها را دارند (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵).

امروزه بدلیل پیچیدگی محیط های تجاری جدید و تنوع خدمات و محصولات ارائه شده توسط موسسات اعتباری، کسب رفاه مالی<sup>۱</sup>، مستلزم درک مناسب مباحث و مسائل مالی است. این نیاز از مدت ها قبل در اغلب جوامع مدرن درک شده و از سال های اولیه دهه ۹۰ میلادی تحت عناوینی نظیر سواد مالی<sup>۲</sup> و مالیه شخصی مطرح گردیده و با گذشت زمان به اهمیت آن افزوده شده است، به گونه ای که امروزه مفاهیم مرتبط با آن در کشور هایی نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستان ها و رشته های مختلف دانشگاهی تلقی می گردد. در این کشورها، بنیادهای غیر انتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد مالی را عهده دار بوده و با انجام آزمون های متعدد به اندازه گیری پیشرفت سواد مالی در کشور خود می پردازند (بعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱).

تحقیقات نشان می دهد هرچه سطح سواد مالی افراد یک جامعه بیشتر باشد، رونق مبادلات مالی و سطح رفاه افراد آن جامعه نیز بیشتر می شود. به همین خاطر است که در دهه اخیر اقدامات قابل توجهی توسط افراد و ارگان های دارای صلاحیت های علمی معتبر نظیر بانک جهانی و فاین اسکپ و نظیر اینها در راستای معرفی، ارزیابی و شیوه های بهبود سواد مالی افراد ارائه گردیده است (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵).

سواد مالی توسط بنیاد مالی تحقیقات آموزشی انگلستان به شرح ذیل تعریف شده است: توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم گیری موثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن (نکتور<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۲).

مبحث سواد مالی از دیرباز یک موضوع بسیار مهم تحقیقاتی بوده است، بطوریکه ابتدا در کشورهای انگلستان و آمریکا و متعاقب آن در سایر کشورها از جمله استرالیا، هلند، ایتالیا، مالزی و غیره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. تایید این مدعا تعداد زیادی از مطالعات در این حوزه و اجرای برنامه های آموزشی متعدد در راستای ارتقاء سواد مالی در کشورهای مختلف به ویژه آمریکا، به صورتی که تقریباً اغلب ایالت های این کشور سرفصل مصوب سواد مالی داشته و علاوه بر آن مجمعی به نام جامپ استارت<sup>۴</sup> در آمریکا وظیفه توسعه و بهبود سواد مالی را به عهده گرفته و به صورت سالانه نسبت به انجام آزمون ادواری سواد مالی و گزارش نتایج آن اقدام می نماید (پنگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰).

1 Financial well- being

2 Financial literacy

3 Nector et al.

4 Jump start

5 Pang

مفاهیم مرتبط با سواد مالی، تحت عنوان مالیه شخصی نیز مطرح می گردد. مالیه شخصی عبارتست از مطالعه منابع با اهمیت در دستیابی شخص و خانوار به موفقیت مالی. مهمترین موضوعات در مالیه شخصی شامل مدیریت مالیات، بودجه ریزی، مدیریت نقدینگی، استفاده از کارت های اعتباری، استقراض، مخارج با اهمیت، مدیریت ریسک، سرمایه گذاری ها، طرح های بازنشستگی و طرح خرید مسکن و املاک می باشد (گارمن و فورگو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰). در انگلستان نیز مفاهیم مالیه شخصی (سواد مالی) به عنوان بخشی از برنامه آموزشی ملی مدنظر قرار گرفته و در استانداردهای آموزش ملی وارد شده است (پنگ، ۲۰۱۰). پیچیده شدن و توسعه بازارهای مالی و افزایش تنوع خدمات ارائه شده توسط موسسات اعتباری، موضوع سواد مالی و لزوم فراگیری مفاهیم آن، افزایش می یابد. مردم کشور ما نیز از این مقوله مستثنی نمی باشند، زیرا در سال های اخیر بروز مواردی از قبیل توسعه بانکداری الکترونیک، رشد سریع موسسات و نهادهای مالی خصوصی و تلاش بی وقفه آنها جهت افزایش سهم بازار، منجر به پیشنهاد وام های اغوا کننده با مانده های جبرانی سنگین به افراد شده و این امر سبب تحمل نرخ های بالای سود بانکی توسط وام گیرندگان و در نهایت کاهش رفاه مالی آنها گردیده است. همچنین صدور کارت های اعتباری توسط برخی از بانک ها و موسسات مالی که سبب سهولت خرید و در بعضی مواقع خرج کردن بی رویه پول توسط افراد فاقد دانش مالی می گردد و بسیاری از موارد مشابه، موجب افزایش روز افزون اهمیت درک مفاهیم مالی توسط همه اقشار جامعه شده است، زیرا در شرایط جدید کسب رفاه مالی و آسایش مادام العمر بدون تسلط به مفاهیم سواد مالی میسر نخواهد بود (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

سواد و دانش مالی به کاهش فشار روانی و اجتماعی و افزایش رفاه خانوادگی در زندگی شخصی منجر می شود و مشکلات مالی را کاهش می دهد (فاکس و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵).

امروزه درک مفاهیم و مهارت های مرتبط با سواد مالی به سبب اینکه مصرف کننده را برای بقا در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی موجود، توانا می سازد، ضروری شده است. بدین لحاظ داشتن سواد مالی یک مبنای ضروری برای پیشگیری و حل مسائل مالی است و به نوبه خود برای داشتن زندگی موفقیت آمیز، سالم و شاد حیاتی است (برد<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸).

در بسیاری از کشور ها، برنامه ریزی برای دوره بازنشستگی (طرح های بازنشستگی)، بیمه های اجتماعی، تامین مالی و مواردی از این قبیل، به بخش خصوصی واگذار گردیده و افراد بصورت فردی ملزم به تصمیم گیری، انتخاب و برنامه ریزی هستند. کشور ایران نیز که حرکت در مسیر خصوصی سازی اقتصادی را در پیش گرفته است، نیازمند بستر سازی های مناسب برای اجرای موفق خصوصی سازی می باشد.

یکی از این بستر سازی ها، افزایش سطح دانش و آگاهی عموم جامعه در خصوص مسائل مالی است (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۱۳۹۴). همچنین رونق بازار درگروی حضور فعال مردم و بنگاه های اقتصادی است که دانش کافی از بازار بورس و معاملات آن داشته باشند.

ارتقا سطح سواد مالی در بین افراد به خصوص گروه های آسیب پذیر جامعه، موجب بهبود مدیریت پول فردی، برنامه ریزی های مالی، تصمیم گیری های آگاهانه، استفاده درست از فرصت های مالی و در یک کلام رفاه و رضایت اجتماعی خواهد شد. علاوه بر این در برابر شوک های کلان اقتصادی مقاوم تر، رفتارهای پس اندازی بیشتر و میزان استقراض های پرهزینه کمتری را شاهد خواهیم بود (آتکینسون و مسی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۲).

6 Garman and Forgue

7 Fox et al.

8 Bird

9 Atkinson and Messy

سواد مالی و برنامه ریزی در خصوص موضوعات مالی، یک استراتژی بازدارنده عمومی می باشد که می تواند به کاهش فشار روانی و اجتماعی و افزایش رفاه مالی خانواده کمک نماید (تیتوس و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۸).

با وجود تأثیر سواد مالی بر زندگی شخصی افراد، می توان گفت که سواد مالی بالا، استرس و اضطراب هیجانی در محیط کار را کاهش می دهد (کیم<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷). مهمترین مزیت آموزش سواد مالی، کاهش مشکلات مالی کارکنان و تشویق آنان به احساس مسئولیت درباره امور مالی شخصی خود می باشد که این مزیت ها، منجر به افزایش کارایی سازمان می گردد (ویت و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۰).

سازمان هایی که مایل به تقویت مدیریت منابع سازمانی و ارتقای زندگی خصوصی و کاری کارکنان خود می باشند، بایستی سواد کارکنان خود را در زمینه مالی افزایش دهند (برنهم و گرت<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۳).

با توجه به موارد بیان شده و اهمیت فزاینده مباحث مرتبط با سواد مالی و تأثیر بسیار آن بر رفاه و استرس مالی افراد و خانوارها، متأسفانه این موضوع تاکنون در کشور ما بطور جدی مورد توجه قرار نگرفته و طبق بررسی های انجام شده، سنجش سواد مالی، همچنین آموزش و ارتقای مفاهیم مرتبط با آن، چندان در پژوهش های دانشگاهی مورد ملاحظه قرار نگرفته است، حال آنکه برخی از کشورهای توسعه یافته برای رشد توان مالی شخصی افراد از تمامی ابزارهای موجود از جمله اینترنت بهره می گیرند.

موضوع سواد مالی و لزوم بررسی آن بدین لحاظ با اهمیت است که عدم کفایت سواد مالی، زندگی افراد، خانواده، دوستان و شرکای تجاری آنها را به سبب اتخاذ تصمیمات نامناسب مالی تحت الشعاع قرار می دهد و این امر اثرات نامناسب بر جامعه داشته و حتی سبب کاهش ثروت ملی و در نهایت کاهش سطح رفاه مالی در جامعه می گردد (اسلاتر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۹). به نظر می رسد نقطه مناسب برای آغاز پژوهش در این حوزه، بررسی سواد مالی کارکنان در کشور باشد. زیرا بدون بررسی و سنجش وضعیت فعلی سواد مالی کارمندان در کشور، طرح هر ادعایی در این زمینه، ذهنی و بدون پشتوانه خواهد بود. با توجه به اهمیت موضوع، به نظر می رسد مقوله سواد مالی، نیاز به توجه خاص و انجام تحقیقات متعددی دارد که پژوهش حاضر می تواند نقطه آغاز آن باشد.

## ۲- سابقه تحقیقات:

در ایران مطالعاتی در باره رابطه سواد مالی انجام گرفته است که می توان به موارد زیر اشاره کرد: یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «ارائه الگویی برای سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی» انجام داده اند. در این تحقیق با استفاده از روش دلفی فازی، ضمن تشریح مفهوم سواد مالی و مبانی نظری و پیشینه پژوهش های انجام شده در این حوزه، با استفاده از تکنیک دلفی فازی برای کسب اجماع ۱۱ نفر از خبرگان مالی کشور (به عنوان پانل دلفی) و توزیع پرسشنامه ای مشتمل بر ۱۱ سوال برای سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی، توانستند الگویی برای سنجش سواد مالی در سطح دانشگاه های کشور ارائه دهند.

معین الدین (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی و ارائه الگوی مناسب جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی" ضمن تدوین پرسشنامه استاندارد مشتمل بر ۴۹ سؤال ۴ گزینه ای با استفاده از تکنیک دلفی فازی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی، به اندازه گیری سواد مالی دانشجویان ایرانی و ارتباط آن با ویژگی های جمعیت شناختی دانشجویان

10 Titus et al.

11 kim

12 Vitt et al.

13 Bernheim and Greath

14 Slaughter

پرداخته است. نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ استراتژی اجرا توصیفی-پیمایشی است. این پژوهش دارای دو جامعه آماری متفاوت می باشد: ۱- خبرگان مالی ۲- دانشجویان ایرانی. در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه ای ۲ مرحله ای استفاده شده است، به گونه ای که ۵ استان کشور به عنوان خوشه انتخاب شدند. پرسشنامه مورد نظر بین ۱۴۹۶ دانشجوی که در هر استان به روش تصادفی طبقه بندی شده تعداد آنها تعیین گردید توزیع و جمع آوری شد. این پژوهش دارای پنج فرضیه اصلی می باشد در تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از تکنیک‌های مختلف آمار استنباطی نظیر مقایسه میانگین تک نمونه‌ای و دو نمونه‌ای مستقل، آزمون نسبت، آزمون ANOVA، آزمون LSD، رگرسیون چند متغیره و رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان از عدم کفایت سواد مالی دانشجویان ایرانی داشت. همچنین تمامی متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، وضعیت شغلی دانشجویان شاغل، حوزه اشتغال، سابقه اشتغال قبلی دانشجویان شاغل، استقلال مالی، سطح درآمد خانواده، رشته تحصیلی مقطع متوسطه) بجز سطح تحصیلات والدین بر سطح سواد مالی جامعه مورد آزمون اثر داشت. دیگر نتایج این پژوهش بیانگر این است که مقطع تحصیلی دانشجویان (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا)، حوزه مطالعه دانشجویان (دانشکده تحصیلی) و اطمینان دانشجویان از دانسته‌هایشان در مسائل مالی بر سطح سواد مالی آن‌ها اثر گذار می باشد.

آزادی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی که با عنوان «سواد مالی و عوامل تاثیرگذار بر آن و تاثیر آن بر برنامه ریزی بازنشستگی» انجام شده است، به بررسی عوامل موثر بر سواد مالی (سن، جنس، سطح تحصیلات و سطح درآمد) و تاثیر این سواد بر برنامه ریزی بازنشستگی ۱۸۴ نفر در شهر کرمانشاه پرداختند. نتایج این تحقیق بیانگر موثر بودن عوامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و سطح درآمد افراد بر سواد مالی آنها و در ادامه موثر بودن این سواد مالی بر برنامه ریزی بازنشستگی موثر آنها است.

معین الدین و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بررسی سواد مالی کارکنان دولت و تاثیر آن بر رفاه مالی و استراتژی های مالی آنها (مطالعه موردی: استان یزد)» انجام داده اند. در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی ساده برای تعیین حجم نمونه استفاده شده و تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع و در نهایت تعداد ۲۰۵ پرسشنامه جمع آوری گردیده است. فرضیه اصلی اول این تحقیق در خصوص کفایت سواد مالی کارکنان دولت مطرح گردیده، که نتایج آماری حاصل از آن حاکی از عدم کفایت سواد مالی آن‌ها بوده است. سطح سواد مالی کارکنان دولت تحت تاثیر مولفه های حوزه فعالیت، تحصیلات، رشته تحصیلی مقطع متوسطه، رشته تحصیلی دانشگاه، سطح تحصیلات مادر و میزان درآمد بوده؛ اما مولفه های سن، جنس، وضعیت تاهل و تحصیلات پدر بر سطح سواد مالی کارکنان دولت تاثیری نداشته است.

دیانتی دیلمی و حنیفه زاده (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «وضعیت سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن»، سواد مالی را از طریق توزیع پرسشنامه بین ۴۱۰ خانوار در سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار داده اند. نتایج تحقیق نشان داده است که وضعیت سواد مالی این افراد در حد مطلوبی نیست و نیازمند و علاقه مند به بهره مندی از راهنمایی متخصصانی با عنوان «مشاور مالی خانواده» هستند. در ضمن علاوه بر بررسی وضعیت سواد مالی، به عواملی چون سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان درآمد، رشته تحصیلی، انباشت سرمایه و محل سکونت (هر یک به عنوان یک فرضیه مستقل) پرداخته و روابط بین آنها را بررسی نموده که وجود ارتباط بین آنها و سواد مالی تایید شده است.

در خارج از ایران مطالعاتی در باره رابطه سواد مالی انجام گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

چن و ولپ<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۸) سواد مالی ۹۲۴ دانشجوی کالج از ۱۳ پردیس واقع در ایالات متحده را آزمایش کردند. بعلاوه آنها رابطه بین سطح سواد مالی و جنس، سن، ملیت، نژاد، درآمد، تجربه کاری، نظام دانشگاهی، سطح تحصیلات و تعداد سال های تجربه کاری را نیز تحقیق کردند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که زیر گروه های نظام دانشگاهی، سطح تحصیلات و تعداد سال های تجربه کاری به طور بارزی بر اساس سطح سواد مالی تغییر می کند. دانشجویان ارشد بدون کار، دانشجویان در رتبه

های کلاس پایین تر و افرادی که تجربه کاری اندکی دارند، سطوح پایین تری از سواد مالی دارند. بعلاوه زنان نسبت به مردان سواد به مراتب کمتری دارند و دانشجویان خارجی نیز هوش کمتری در این زمینه نسبت به شهروندان آمریکایی دارند.

نیل<sup>۱۶</sup> و همکارانش (۲۰۰۵) با هدف بررسی رابطه فعالیت های مالی، رفاه مالی و سلامتی، پژوهشی را در بین ۳۱۲۱ نفر از مشتریان سازمان مشاوره مالی انجام داده اند. نتایج تحقیق این محققین نشان داد که افراد با والدین تحصیل کرده از سواد مالی بالاتری برخوردار هستند. این تحقیق نشان داد که این افراد دارای درآمد بالاتری هستند و برنامه ریزی های مالی آنها با توجه به آینده صورت پذیرفته است. این افراد در دوران بازنشستگی از وضعیت مالی مناسب تری برخوردار هستند و تعداد افرادی که از خانواده های تحصیل کرده بوده و تجربه ورشکستگی داشته اند، اندک بوده است.

ولپ و چن<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۶) از ۲۱۲ متولی مالی که عهده دار برنامه های مالی شخصی در شرکت های آمریکایی هستند، جهت مشخص کردن نتایج مبهم مالی شخصی افراد بزرگسال شاغل و ارزیابی سطح دانش آنها تحقیق کردند. نتایج نشان داد که حوزه های کم اهمیت تر، برنامه ریزی در مورد دارایی و سرمایه گذاری است. بخصوص کم اهمیت ترین موضوعات، دانش خلاصه آگهی های خرید سهام شرکت های دیگر، قیمت آنها و نسبت هزینه ها را دارد. همچنین شرکت کنندگان نشان دادند که افراد بزرگسال شاغل در واقع کمترین دانش را در مورد موضوعات مشابهی دارند که کم اهمیت می پندارند. در کل متولیان مالی نشان دادند که سطح دانش افراد شاغل نسبتاً پایین است.

بر اساس مطالعه لوساردی و همکارانش<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۶) دانش و آگاهی مالی در میان جوانان آمریکایی پایین تر از افراد با سن بالاتر است. به طوری که کمتر از یک سوم جوانان در مورد نرخ بهره، تورم و تنوع بخشی ریسک، که سه مسئله مهم مالی هستند اطلاعات کافی داشتند.

پنگ<sup>۱۹</sup> و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر آموزش های مالی به شخصی ارائه شده در دبیرستان و دانشگاه، دانش سرمایه گذاری و پس انداز یک نمونه ۱۰۳۹ نفری از فارغ التحصیلان یک دانشگاه بزرگ غرب آمریکا را مورد واکاوی قرار دادند. متغیرهای دموگرافیک مورد مطالعه شامل سن، شغل، جنسیت، نژاد، وضعیت تأهل و میزان پس انداز افراد بود که از بین این متغیرها، درآمد، شغل و جنسیت دارای رابطه معنی دار با دانش سرمایه گذاری بودند.

لوساردی و همکارانش (۲۰۰۹) عوامل مرتبط با سواد مالی را در میان جوانان آمریکایی مورد بررسی قرار داده اند. نمونه آماری این محققین شامل ۷۴۱۷ نفر می باشد که از طرق نمونه گیری تصادفی جمع آوری شده است. نتایج تحقیق این محققین نشان داد که عوامل اجتماعی، عوامل خانوادگی، وضعیت مالی خانواده، تحصیلات دانشگاهی والدین در میزان سواد افراد تأثیر گذار بوده است. به طوری که افراد دارای والدین با تحصیلات دانشگاهی از سواد مالی بالاتری برخوردار بوده اند. همچنین مردان و افراد با سن بالاتر از سواد مالی بالاتری برخوردار بوده اند و این تحقیق همچنین نشان داد سطح فرهنگی خانواده ها، میزان درآمد آنها، میزان مشارکت والدین در سهام، سرمایه گذاری های والین و نژاد افراد با میزان سواد مالی آنها رابطه داشته است.

کاد<sup>۲۰</sup> در سال ۲۰۱۰ عوال موثر بر سواد مالی افراد را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق او نشان داد که تحصیلات بالاتر، ریسک پذیری، سن بالاتر، تجربه کاری بالا، درآمد خانواده، شغل والدین و شرکت در کلاس های آموزشی سواد مالی افراد را افزایش می دهد. در این تحقیق بیان شده است که افراد با سواد مالی بالاتر در زندگی شخصی و کاری خود موفق تر

16 Neill

17 Volpe and Chen

18 Lusardi et al.

19 Peng

20 Cude

می باشند. همچنین نگرانی مالی در مورد آینده کمتر می باشد و از پس انداز، سرمایه گذاری بلند مدت بیشتری برخوردار هستند و با دید بلند مدت آینده بهتری را برای خود رقم زده اند.

### ۳- چارچوب نظری تحقیق

برای رسیدن به مدل نظری پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در این بررسی کلیه منابع فارسی و انگلیسی کتابخانه ای و الکترونیکی در دسترس پژوهشگر در خصوص سواد مالی مورد مطالعه قرار گرفته و مفاهیم مرتبط با سواد مالی استخراج گردیده است. پرسشنامه پژوهش از مقاله چن و ولپ (۱۹۹۸) استخراج گردید و سپس با بهره مندی از دیدگاه ها و نظرات استادان و صاحب نظران و کارشناسان بومی سازی و توزیع گردیده و در نهایت داده های حاصل از پیمایش جمع آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### ۴- هدف اصلی تحقیق

هدف کلی پژوهش، بررسی رابطه بین سواد مالی و ویژگی های جمعیت شناختی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان آبدانان در سال ۱۳۹۴ می باشد. هدف کاربردی پژوهش، سنجش سواد مالی کارکنان و تعیین رابطه سواد مالی با ویژگی های جمعیت شناختی کارکنان است.

#### ۴-۱- اهداف فرعی:

بررسی رابطه بین سواد مالی و جنسیت و سن، سطح تحصیلات، محل سکونت (شهر یا روستا)، رشته تحصیلی، وضعیت تاهل، سطح درآمد و سنوات خدمت کارکنان می باشد.

### ۵- فرضیه اصلی تحقیق

بین سواد مالی و ویژگی های جمعیت شناختی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان آبدانان رابطه وجود دارد.

#### ۵-۱- فرضیه های فرعی تحقیق

بین سواد مالی و جنسیت، سن، سطح تحصیلات، محل سکونت (شهر یا روستا)، رشته تحصیلی، وضعیت تاهل، سطح درآمد و سنوات خدمت کارکنان رابطه وجود دارد.

### ۶- روش انجام تحقیق

تحقیق حاضر بر حسب هدف در حیطه تحقیقات کاربردی جای می گیرد. از نظر روش گردآوری اطلاعات این پژوهش در حیطه تحقیقات پیمایشی و تحلیلی قرار دارد. این تحقیق به صورت مقطعی در بین کارکنان شاغل در اداره آموزش و پرورش شهرستان آبدانان در پاییز سال ۱۳۹۴ انجام گرفته است. این تحقیق به روش توصیفی- میدانی انجام شده است.

#### ۶-۱- جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش کلیه کارکنان آموزش و پرورش شهرستان آبدانان در سال ۱۳۹۴ است که تعداد آنها در زمان انجام تحقیق ۱۱۰۰ نفر بوده است.

#### ۶-۲- روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه

در این پژوهش، از روش نمونه گیری تصادفی ساده با استفاده از قرعه کشی برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. با توجه به اینکه حجم جامعه آماری مشخص و برابر با ۱۱۰۰ نفر می باشد، بنابراین از فرمول نمونه گیری محدود کوکران استفاده شده است. تعداد نمونه آماری با استفاده از این فرمول برابر با ۲۸۵ نفر می باشد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = 285$$

### ۳-۶- ابزار گردآوری داده ها

در این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و میدانی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. انجام مطالعات و بررسی های لازم درباره مبانی نظری تحقیق، ادبیات موضوعی تحقیق، سوابق مسأله و موضوع تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای (مطالعه کتاب، پایان‌نامه‌ها، مقالات داخلی و خارجی، تحقیقات مرتبط با موضوع و استفاده از سایت‌های اینترنتی) انجام گرفته است. به منظور سنجش سواد مالی از پرسشنامه چن و ولپ (۱۹۹۸) استفاده شده است. برای اندازه گیری سواد مالی از سوالاتی استفاده شده است که فاکتورهای مهم مرتبط با سواد مالی افراد را مدنظر قرار داده است. این فاکتورها شامل دانش عمومی مالی (۹ سوال)، پس انداز و وام (۹ سوال)، سرمایه گذاری (۸ سوال)، بیمه (۴ سوال)، تصمیمات مالی (۵ سوال) و نگرش مالی (۷ سوال) می باشند.

### ۴-۶- روایی و پایایی ابزار تحقیق

جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده گردیده است. جهت اطمینان از کاربردی بودن پرسشنامه‌ی چن و ولپ (۱۹۹۸) در کشور، پرسشنامه به حضور ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه با مدرک دکترای مدیریت مالی و حسابداری ارائه گردید و پس از اعمال نظرات و رهنمودهای آنان، مورد تایید قرار گرفت. به منظور بررسی قابلیت اعتماد به پرسشنامه و پایایی آزمون، ابتدا یک نمونه ۳۰ تایی از جامعه انتخاب شد و با تحلیل نتایج حاصل از این نمونه و تعیین واریانس سوالات، قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری تایید گردید و ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر ۰/۸۹ بوده است.

### ۷- یافته‌های تحقیق

برای تحلیل فرضیه ها از دو نوع آزمون من ویتنی و کروسکال والیس استفاده شده است زیرا متغیرهای جمعیت شناختی که از ۸ بعد سنجیده شده اند قابل تجمیع در یک متغیر واحد نیستند، می بایست هر کدام بصورت جداگانه سنجیده شوند. فرضیه اول: بین سواد مالی و رشته تحصیلی کارکنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱. آزمون من ویتنی برای ارتباط متغیر رشته تحصیلی و سواد مالی

سواد مالی	
۲۵۶۷	مقدار آماره یومن ویتنی
۰/۰۰۰	Sig.

در جدول فوق چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین رشته تحصیلی و سواد مالی وجود دارد.

جدول شماره ۲. رتبه بندی رشته تحصیلی بر اساس آزمون یومن ویتنی

میانگین	فراوانی	رشته تحصیلی
۹۹/۱	۸۰	مرتبط با امور مالی



غیر مرتبط با امور مالی	۲۰۵	۸۱/۰۹
------------------------	-----	-------

فرضیه دوم: بین سواد مالی و جنسیت کارکنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳. آزمون من ویتنی برای ارتباط متغیر سواد مالی و جنسیت کارکنان

سواد مالی	
۳۹۹۸	مقدار آماره یومن ویتنی
۰/۰۰۴	Sig.

چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین جنسیت و سواد مالی وجود دارد. همچنین طبق جدول ۲ میانگین سواد مالی در میان مردان بیشتر از زنان است.

جدول شماره ۴. رتبه بندی جنسیت کارکنان بر اساس آزمون یومن ویتنی

جنسیت	فراوانی	میانگین
مرد	۱۰۹	۹۳/۳۵
زن	۱۷۶	۸۵/۰۵

فرضیه سوم: بین سواد مالی و سن کارکنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵. آزمون کروسکال والیس برای ارتباط متغیر سواد مالی و سن

سواد مالی	
۴/۸۸۷	مقدار کای مربع
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۲	Sig.

در جدول فوق چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین سن و سواد مالی وجود دارد.

جدول شماره ۶. رتبه بندی گروه های سنی بر اساس آزمون کروسکال والیس

سن	فراوانی	میانگین
۲۵-۲۰	۳۲	۹۱/۴۴
۳۰-۲۶	۷۹	۹۲/۶۲
۳۵-۳۱	۷۶	۹۳/۸۱
۳۵ به بالا	۹۸	۹۵/۰۶

فرضیه چهارم: بین سواد مالی و سطح تحصیلات کارکنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۷. آزمون کروسکال والیس برای ارتباط متغیر سطح تحصیلی و سواد مالی

سواد مالی	
۴/۷۳۹	مقدار کای مربع
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۷	Sig.

در جدول فوق چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین سطح تحصیلی و سواد مالی وجود دارد.

## جدول شماره ۸. رتبه بندی مقاطع تحصیلی بر اساس آزمون کروسکال والیس

میانگین	فراوانی	تحصیلات
۸۱/۱۲	۲۱	دیپلم و پایین تر
۹۳/۱۹	۹۹	فوق دیپلم
۹۵/۰۰	۱۳۹	کارشناسی
۹۹/۴۵	۲۶	کارشناسی ارشد و دکترا

فرضیه پنجم: بین سواد مالی و محل سکونت رابطه وجود دارد.

## جدول شماره ۹. آزمون من ویتنی برای ارتباط متغیر محل سکونت و سواد مالی

سواد مالی	
۲۶۳۹	مقدار آماره یو من ویتنی
۰/۰۰۰	Sig.

در جدول فوق چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین محل سکونت و سواد مالی وجود دارد.

## جدول شماره ۱۰. رتبه بندی محل سکونت بر اساس آزمون یومن ویتنی

میانگین	فراوانی	جنسیت
۹۸/۹۰	۱۴۱	شهری
۸۲/۰۶	۱۴۴	روستایی

فرضیه ششم: بین سواد مالی و وضعیت تاهل کارکنان رابطه وجود دارد.

## جدول شماره ۱۱. آزمون من ویتنی برای ارتباط متغیر وضعیت تاهل و سواد مالی

سواد مالی	
۵۳۴۲/۶۷	مقدار آماره یو من ویتنی
۰/۰۰۰۴	Sig.

در جدول فوق چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین وضعیت تاهل و سواد مالی وجود دارد.

## جدول شماره ۱۲. رتبه بندی وضعیت تاهل بر اساس آزمون یومن ویتنی

میانگین	فراوانی	جنسیت
۹۴/۵۸	۲۲۴	متاهل
۸۰/۶۷	۶۱	مجرد

فرضیه هفتم: بین سواد مالی و سطح درآمد کارکنان رابطه وجود دارد.

## جدول شماره ۱۳. آزمون کروسکال والیس برای ارتباط متغیر درآمد و سواد مالی

استرس مالی	
۶/۷۳۲	مقدار کای مربع
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۱	Sig.

در جدول فوق چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین درآمد و سواد مالی وجود دارد.

## جدول شماره ۱۴. رتبه بندی گروه های درآمدی بر اساس آزمون کروسکال والیس

میانگین	فراوانی	درآمد
۹۱/۲۱	۲۰	۵۰۰ تا ۱.۵ میلیون تومان (گروه ۱)
۹۶/۱۸	۱۳۰	۱.۵ میلیون تا ۲ میلیون تومان (گروه ۲)
۹۴/۴۱	۱۱۵	۲ تا ۳ میلیون تومان (گروه ۳)
۹۷/۰۶	۲۰	۳ میلیون و بالاتر (گروه ۴)

فرضیه هشتم: بین سواد مالی و سنوات خدمت کارکنان رابطه وجود دارد.

## جدول ۱۵: آزمون کروسکال والیس برای ارتباط متغیر سنوات خدمت و سواد مالی

سواد مالی	
۷/۰۰۷	مقدار کای مربع
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۳	Sig.

در جدول فوق چون مقدار Sig. از ۰/۰۵ کمتر است لذا ارتباط معناداری بین سنوات خدمت و سواد مالی وجود دارد.

## جدول ۱۶: رتبه بندی سنوات خدمتی بر اساس آزمون کروسکال والیس

میانگین	فراوانی	سنوات خدمت
۹۲/۸۹	۳۸	۵ سال و کمتر
۸۹/۱۰	۹۷	۶ تا ۱۰ سال
۹۳/۲۳	۸۵	۱۱ تا ۱۵ سال
۹۹/۰۰	۶۵	بیشتر از ۱۵ سال

فرضیه نهم: سطح سواد مالی کارکنان در وضعیت مطلوبی نیست.

در این فرضیه فرض  $H_0$  وضعیت مطلوب است و فرض  $H_1$  وضعیت نا مطلوب است در نظر گرفته شده است. جهت بررسی این فرضیه، از آزمون  $t$  یک نمونه ای استفاده شده است. با توجه به این که در این تحقیق برای سنجش میزان سواد مالی از طیف 6 تایی استفاده شده است، لذا مقدار آماره آزمون را ۳ (حد وسط) در نظر گرفته می شود.

جدول ۱۷: نتایج آزمون  $t$  یک نمونه ای

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره $t$	انحراف استاندارد	میانگین
تایید	۰/۵	۲۸۴	۱.۹۴۵	۱.۲۳۱	۴.۲۰۱

بر اساس ستون اول جدول ۱۷، در صورتی که مقدار میانگین جدول بالاتر از ۳ شده باشند، می توان گفت سطح سواد مالی کارکنان در وضعیت بالاتر از حد متوسط می باشد و در صورتی که مقدار میانگین به دست آمده برای نمونه زیر ۳ شده باشند، سطح سواد مالی کارکنان در وضعیت پایین تر از حد متوسط ارزیابی شده است. برای بررسی معناداری یا عدم معناداری مطلوبیت سواد مالی کارکنان از آماره  $t$  در ستون سوم این جدول استفاده می کنیم. با توجه به یک طرفه بودن فرضیه در صورتی می توان گفت سطح سواد مالی کارکنان در وضعیت مطلوبی در سطح اطمینان ۹۵ درصد قرار دارد که مقدار آماره  $t$  از ۱/۹۶+ بزرگ تر باشد. نتایج حاصله از آزمون  $t$  نشان می دهد فرضیه محقق در سطح اطمینان 95 درصد تایید شده است و سطح سواد

مالی کارکنان در وضعیت مطلوب و معناداری نمی باشد. اما بالاتر از حد متوسط می باشد. لذا فرض H1 تایید شده که به معنی وضعیت نامطلوب در این فرض می باشد.

## ۸- بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش رابطه سواد مالی و ویژگی های جمعیت شناختی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان آبدانان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد ارتباط معناداری بین رشته تحصیلی و سواد مالی وجود دارد و میانگین سواد مالی در میان کارکنان با رشته مرتبط با امور مالی بیشتر از کارکنانی است که رشته آنان مرتبط با امور مالی نبوده است. همچنین ارتباط معناداری بین جنسیت و سواد مالی وجود دارد و میانگین سواد مالی در میان مردان بیشتر از زنان است. می توان گفت ارتباط معناداری بین سن و سواد مالی وجود دارد و با افزایش سن، میانگین سواد مالی افزایش می باید. همچنین، ارتباط معناداری بین سطح تحصیلی و سواد مالی وجود دارد و با افزایش سطح تحصیلات، میانگین سواد مالی افزایش می باید. می توان گفت ارتباط معناداری بین محل سکونت و سواد مالی وجود دارد و میانگین سواد مالی در میان کارکنان ساکن در شهرهای آبدانان در مقایسه با کارکنان ساکن در روستا بیشتر است. همچنین، ارتباط معناداری بین وضعیت تاهل و سواد مالی وجود دارد و میانگین سواد مالی در میان کارکنان متأهل بیشتر از کارکنان مجرد است.

مشخص گردید ارتباط معناداری بین درآمد و سواد مالی وجود دارد و با افزایش درآمد، میانگین سواد مالی افزایش می باید و ارتباط معناداری بین سنوات خدمت و سواد مالی وجود دارد و با افزایش میزان سنوات خدمتی، میانگین سواد مالی افزایش می باید و در نهایت، سطح سواد مالی کارکنان در وضعیت مطلوب و معناداری نمی باشد؛ اما بالاتر از حد متوسط می باشد. می توان گفت بین سواد مالی و ویژگی های جمعیت شناختی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان آبدانان ارتباط معناداری وجود دارد.

دسترسی به برنامه های سواد مالی، به ویژه ارائه اصول کلیدی و منابع تامین بودجه برای طراحی سرمایه گذاری، با استفاده از برنامه سواد مالی برای گروه های سرمایه گذار، نیاز مبرم در هر جامعه است که باید امکانات این تحول توسط مسئولان جامعه، سیاستگذاران، و توسعه دهندگان برنامه های مالی فراهم گردد.

## منابع:

۱. آزادی، رضا، زنجیردار، مجید، فرشیدپور، علیرضا (۱۳۹۱)، سواد مالی و عوامل تاثیرگذار بر آن و تاثیر آن با برنامه ریزی بازنشستگی، اولین همایش منطقه ای پژوهش ها و راهکارهای نوین در حسابداری مدیریت، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی غیر دولتی شفق تنکابن.
۲. دیانتهی دیلمی، زهرا، حنیفه زاده، محمد (۱۳۹۴)، بررسی سطح سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هشتم، شماره بیست و ششم.
۳. سرمد، زهره، بازرگان، عباس (۱۳۸۱)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، موسسه نشر آگه، تهران.
۴. معین الدین، محمود، (۱۳۹۰)، ارزیابی و ارائه الگوی مناسب جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران.

۵. معین الدین، محمود، حیرانی، فروغ، حامدی نیا، هادی (۱۳۹۲)، بررسی سواد مالی کارکنان دولت و تاثیر آن بر رفاه مالی و استراتژی های مالی آنها (مطالعه موردی : استان یزد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده حسابداری و مدیریت.

۶. یعقوب نژاد، احمد، نیکومرام، هاشم، معین الدین، محمود (۱۳۹۰)، ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار (مدیریت پرتفوی)، شماره هشتم، پاییز.

7. Atkinson, A. & Messy, F. (2012). "Measuring Financial Literacy: Result of the OECD/International Network on Financial Education (INFE) pilot Study". OECD working paper on Finance, Insurance and Private Pension, OECD Publishing, No.15.
8. Bernheim, D., & Daniel, G. (2003). The Effects of Financial Education in the Workplace: Evidence from a Survey of Households. *Journal of Public Economics*, 87, 1487-1519. [http://dx.doi.org/10.1016/S0047-2727\(01\)00184-0](http://dx.doi.org/10.1016/S0047-2727(01)00184-0)
9. Bird, S (2008) " Financial literacy among university students , An Australian case study " , University of Wollongong , Available at: <http://ro.uow.edu.au/theses/112>
10. Chen, H., Volpe, R. (1998), An analysis of personal financial literacy among college students, *Financial Services Review*, 7(2), 107-28.
11. Cude, B.J. (2010). Financial Literacy, *The Journal of Consumer Affairs*, 44(2).
12. Fox, J., Bartholomae, S., & Lee, J. (2005). Building the case for financial education. *The Journal of Consumer Affairs*, 39(1), 195-214. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1745-6606.2005.00009.x>
13. Garman, E.T. & Fogue, R.E. (2000) , *Personal finance*, ( 6th ed.) .Boston: Honunhton Mifflin.
14. Lusardi, A., Mitchell, O. S. & Curto, V. (2009). "Financial Literacy Among the Young: Evidence and Implications for Consumer Policy". National Bureau of Economic Research Working Paper Series No. 15352.
15. Lusardi, A., Olivia, S., & Mitchell. (2006). *Financial Literacy and Planning: Implications for Retirement Wellbeing*, Working Paper, Pension Research Council, Wharton School, and University of Pennsylvania
16. Moein Addin, Mahmoud, Nayebzadeh, Shahnaz, Kalantari Taft, Marzieh, Mir mohammadi Sadrabadi, Mohammad (2013), Financial strategies and investigating the relationship among financial literacy, financial well-being, and financial worry, *European Online Journal of Natural and Social Sciences* 2013; vol.2, No. 3(s), pp. 1279-1289, ISSN 1805-3602, [www.european-science.com](http://www.european-science.com).
17. Kim, J. (2007). Workplace financial education program: Does it have an impact on employee's personal finances. *Journal of family and Consumer Science*, 99(1).
18. Nector, M, stong, S & stradling, R. (1992) "Financial literacy :A Discussion of concepts and competencies Financial Literacy and opportunities for its Introduction into young people s learning " , report Prepared for the National Westminster Bank , National Foundation for Education Research , London .
19. Neill, B., Xiao, J. J., & Benoit Sorhaindo, E. T. (2005). Financially Distressed Consumers: Their Financial Practices, Financial Well-being, and Health. *Financial Counseling and Planning*, 16(1).
20. Peng, C.M , Bartholomue, S , Fox, J & cravener, C (2007) , " The Impact of Personal Finance Education Delivered in high school and College courses " , *Journal of family and Economic Issues* , vol 28: 265 -284.

21. Pang, M.F (2010) " Boosting financial literacy: Benefits from learning study ", *Inster Sci* , vol 39:659 -677.
22. Slaughter, Howard,B.Jr. (2009) "Financial Illiteracy: An American study on the effectiveness of web-based Financial literacy technology training on African high school students in Pittsburgh, pensylvanian , Robert Morris University , Available at: <http://Proquest.umi.com>
23. Titus, P. M., Fanslow, A. M. & Hira,T. K. (1998). Net worth and financial satisfaction as a function of household money manager competition. *Economic Research Journal*, 17(4), 309-318.
24. Vitt, L. A., Anderson,C.A, Kent, J., & Lyter, D. (2000). *Personal finance*, Washington DC: fannie mae foundation.
25. Volpe, R., & Chen, H.L. (2006). An analysis of the importance of personal finance topics and the level of knowledge possessed by working adults, *Financial Services Review*, 15, 81-98.